

# کاری نه درخور نهج البلاغه

سید ابراهیم سید علوی



کتاب شریف نهج البلاغه که مشحون و سرشار از معارف والای علوی و کانون گرمابخش ابعاد حیات بشری و قسمتی از فروزش وحی و کتاب آسمانی در دل پاک و مصفای انسان کامل علی بن ابیطالب (ع) و یکی از منابع غنی فرهنگ حدیثی شیعه است، از دیرباز، مورد توجه دانشمندان محقق، قرار گرفته و در هر عصر و دوره ای شرح ها و تفسیرهای مختصر یا مفصل بر آن نوشته و کتابخانه های اسلامی را غنا بخشیده اند.

نهج البلاغه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، از سوی قاطبه مردم علی دوست، بیش از پیش مطمح نظر واقع شد و سعی و کوشش فراوان به عمل آمد و همچنان تلاش می شود تا این کتاب زندگی ساز، در محافل آموزش و پرورش، در دانشگاه ها و دیگر معاهد علمی به صورت کتاب و ماده درسی، درآید.

بسیاری از اندیشمندان دلسوز جامعه ما می کوشند تا این کتاب غریب در کنار قرآن مهجور، برای نسل های جوان و طبقات دارای تحصیلات عالی مطرح و الهام بخش باشد و آموختنی هایی از آن، تعلیم داده شود تا نسلی با فرهنگ نهج البلاغه که برنامه کارشان رهنمودهای قرآن و امامشان باشد، بارآید.

امسال که سال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب نامیده شد و ماده درسی شدن نهج البلاغه در آموزشگاه های عالی کشور پیشنهاد گردید، انگیزه فراهم گردیدن این مقاله شد.

البته کارهای عظیمی به هدف خدمت به امام نخست و کتاب شریف نهج البلاغه انجام یافته، کنگره ها، سمینارهایی تشکیل و کتب و رسایل و مقالاتی تدوین و منتشر شده است و هریک در حد خود قدمی سازنده محسوب می گردد.

و جای بسی خورسندی خاطر است که یکی از دوستان دانشگاهی ما در سوریه توفیق آن را یافته است که نهج البلاغه را در پوشش درس های ادبی و عرفانی در دانشگاه دمشق مطرح

سازد. او با شیوه مخصوص خود در درس و بحث و تصنیف، معارف علوی را در آرایش شایانی برای دانشجویان و دیگر خوانندگان آثارش عنوان کرده و آنان را از این آبشخور زلال دانش و معرفت سیراب نموده است.<sup>۱</sup> در کنار این نوع کارهای بزرگ و ارزشمند فرهنگی، سوگمندانه برخی کارهای نه درخور نهج البلاغه امیر (ع) و در سطحی پایین و وضعیتی ضعیف و سست، قرار دارد. قبلاً این نکته را هم خاطر نشان سازم که در هر عملی، اخلاص شرط است؛ بخصوص قدمی که در راه خدمت به امیر و کتاب شریف او برداشته شود.

نویسنده این سطور، چند سال پیش و همزمان با برگزاری

۱. استاد دکتر اسعد علی دارای آثار زیادی است و بیشتر در بعد ادبی و عرفانی، و از آن جمله اند: هلم المعانی، السبر الادبی، الابداع والقد، روضات معرفة الله، فن الحیاه، صناعة الكتابه و اساسیات تراثیه.

مورد وثوق که زیاد هم هستند، بهره بگیرد لیکن باید اذعان کرد که کار فوق العاده شتابزده و بدون حوصله لازم انجام یافته است.

۴. مقدمه‌هایی که برای جزوه‌ها نوشته شده و خواننده‌های متفاوت و مختلف دارد، سست و ناموزون است و اصولاً مخاطب‌ها مشخص نیستند و برخی مطالب برای دانش آموزان و در آن سطوح، بی ثمر است مانند طرح هشت اسم به جای نهج البلاغه! و این نقد را به اصل مطالب جزوه‌ها هم می‌توان تسری داد و ما به نمونه‌هایی اشاره خواهیم کرد.

۵. برخی نصوص منتخب از نهج البلاغه با عناوین فصل‌ها تناسب ندارد؛ بلکه به هیچ وجه متناسب و سازنده نیست.

۶. گاهی نص برگزیده عربی، غلط چاپ شده و به تبع آن، ترجمه نیز غلط از آب درآمده است و همین معلوم می‌دارد که کار، فوق العاده باشتاب، صورت گرفته و صبر و شکیب لازم در آنها وجود نداشته است.

۷. احیاناً نص استشهادی، صحیح چاپ شده است، اما ترجمه غلط و اشتباه است؛ بلکه غالباً در ترجمه نصوص عربی ترجمه‌ها ضعیف، نارسا و ناشیانه است و فعل‌های ماضی به مضارع و اسم فاعل به مفهوم فعل و امثال آن، ترجمه شده است و اگر ترجمه دقیق انجام می‌شد، محسنات کلامی و زیبایی‌های بلاغی سخنان مولا محفوظ می‌ماند و با افزودن چیزهایی که لزومی هم ندارد از شیوایی بیان کاسته نمی‌شد.

۸. با وجود نصوص و شواهد متناسب در نهج البلاغه، با کمال بی‌ذوقی نصی انتخاب شده است که نه تنها آموزنده نیست، بلکه احیاناً مضر است.

۹. هر جزوه با عنوانی کلی و هر عنوان با ده سرفصل و هر سرفصلی با چند سوتیتر که سعی شده به نص منتخب مربوط باشد، دنبال شده است و جزوه‌ها در واقع به صورت چهل حدیث آمده است. که آگاهی از همه آنها در نقد و تطبیق، ضرور می‌نماید و ما آنها را در تحلیل مطالب هر جزوه به تفصیل بیان خواهیم کرد.

۱۰. عناوین کلی چهارده جزوه که گاه برای دختر و پسر، متفاوت اند، عبارتند از:

- اول راهنمایی (پسران، دختران) نوجوانی و ارزش‌ها از دیدگاه نهج البلاغه.

- دوم راهنمایی (پسران) اخلاق نوجوانی؛ (دختران) جوانی و اخلاق...

- سوم راهنمایی (پسران) مسئولیت‌های جوانی؛ (دختران) مسئولیت‌های دختران نوجوان از دیدگاه نهج البلاغه.

کنگره هزاره سید شریف رضی، کتابچه‌ای بنام «ارکان اسلام در نهج البلاغه» نگاشته که از سوی بنیاد نهج البلاغه انتشار یافت. در سال ۱۳۷۶ به اردوی تابستانی وزارت آموزش و پرورش در ارومیه دعوت شدم و در جلسه‌ای که به عهده اینجانب گذاشته بودند همین کتابچه را محور بحث معرفی کردند وقتی ملاحظه کردم، دیدم همان کتاب من است با حذف نام و مقدمه مؤلف، آن هم در تیراژ وسیع شصت و پنجاه هزاره! این عمل مرا بسیار شگفت زده کرد؛ زیرا کاری برخلاف اخلاق اسلامی و منش تقوا و پارسایی رخ داده بود و بنام علی (ع) کاری نه مورد پسند آن امام همام واقع شده بود!

با پی‌گیری و اقدامی که به عمل آمدکننده آن کار به طور مستند معین نگردید؛ هر چند که ساعیان و ناشران آن، معلومند. حقیر در ضمن مراجعه به وزارت آموزش و پرورش برای کشف این موضوع با برخی دوستان دست‌اندر کار تعلیم و آموزش قرآن و نهج البلاغه آشنا شدم. آنان چهارده جزوه دیگر را که در زمینه نهج البلاغه برای مقاطع تحصیلی راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی، نوشته شده است در اختیار من گذاشتند تا به دید نقد و اصلاح در آنها بنگرم و پس از اندکی، طی سه چهار صفحه صفحہ تذکراتی کلی در آن باره به ایشان تقدیم کردم.

اکنون به تناسب اعلام سال امیر مؤمنان علی (ع) و طرح نهج البلاغه به عنوان ماده‌ای درسی در آموزشگاه‌های کشور، آن چهارده جزوه را به تفصیل نقد می‌نشینیم.

## کلیات

۱. جزوه‌های مزبور در دو بخش جداگانه برای پسران و دختران تنظیم شده است و چنان امری به لحاظ تفاوت‌های سنی، تحصیلی و جنسی، امری است شایسته به شرط آن که گزینش مطالب، صحیح و درخور باشد و گرنه مجرد تفکیک عناوین و تیترها با اشتراك در مفاهیم و مطالب ارائه شده، توجیه منطقی ندارد.

۲. جداسازی جزوه‌ها برای مقاطع مختلف تحصیلی نیز اگر با معیار معقول و طبقه‌بندی محتویات، از آسان‌تر به آسان و از آسان به سخت و سخت‌تر صورت می‌گرفت، کاری صحیح و بایسته بود.

۳. در متن جزوه‌ها ضعف انشاء، مشهود و نقاط ضعف ادبی و نگارشی فراوان است و احیاناً در ترجمه نصوص برگزیده از نهج البلاغه اشکالات کم نیست؛ در حالی که مؤلف و فراهم‌کننده محترم جزوات می‌توانست از ترجمه و شرح‌های

قبل از طرح و راه‌های خداشناسی قرار دارد و قابل تبیین است.

از طرفی بحث خداشناسی برای پسران و دختران فرقی ندارد و تغییر نصوص مورد استشهاد، مشکل را حل نمی‌کند. بهتر آن بود که بحثی نسبتاً جامع و کامل تحت عنوان خداشناسی از دیدگاه نهج البلاغه فراهم می‌شد و با استناد به کلیه شواهد و با نمونه‌های برجسته برای هر دو گروه منظور می‌گردید.

این داوری در بحث‌های پیامبرشناسی و امام‌شناسی هم صادق است و بلکه درباره همه ارزش‌های عقیدتی و فضیلت‌های اخلاقی و عملی، چنان داوری، حق است.

\*

### برخی اشکالات ترجمه‌ای

و اقام من شواهد البينات علی لطیف صنعته . (خطبه ۱/۱۶۵)

تا چشم‌ها با مشاهده آثار به خود آیند و عقل‌ها پس از دیدن زیبایی‌های طبیعت به فکر فرو روند و سرانجام دست زیبای خدا را بخوبی بنگرند ...!

ترجمه صحیح: و بر صنعت لطیف خود دلایل و گواهان روشن اقامه فرمود؛ در حدی که خرده‌ها رام و به هستی او اعتراف کردند و در برابرش تسلیم شدند.

فسبحان الذی بهر العقول عن وصف خلق جلاّه للمعیون.

(خ ۲۶/۱۶۵)

پس پاک و برتر است خدایی که عقل‌ها را از شناسایی پدیده‌هایش که در چشم‌ها جلوه می‌کنند، ناتوان ساخته است.

ترجمه صحیح: منزّه است خدایی که خرده‌ها را از توصیف مخلوقی که برای چشم‌ها جلوه‌گر فرمود، عاجز و ناتوان ساخت.

در ترجمه و فهم جمله «اذ لم یترکوهم هملاً بغیر طریق واضح ولا علم قائم» (خ ۴۵/۱) اشتباه آشکاری رخ داده است؛ زیرا فاعل فعل «لم یترکوهم» انبیا است، نه خدا.

و نص «اختاره من شجرة الانبیاء ...» (خ ۴/۲) و «لاقیاس بآل محمد من هذه الامة احد» (خ ۱۲/۲) درباره شایستگی رسول و آل بیت اوست، نه ضرورت هدایت و تداوم امامت.

تخصیص عنوان «تواضع و فروتنی» به پسران و «پرهیز از دشمنی و کینه‌توزی» به دختران، برای چیست؟ آیا تواضع و فروتنی به طور کلی برای دختران فضیلت نیست و یا دشمنی و کینه‌توزی

۲. ر. ک: مقدمه فهرست کلی مطالب نهج البلاغه.

- اوّل متوسطه (پسران، دختران) جوان و سازندگی ...  
- دوم متوسطه (پسران، دختران) شناخت دوران جوانی ...  
- سوم متوسطه (پسران، دختران) جوان و آینده ...  
- پیش‌دانشگاهی (پسران، دختران) راه مقابله با مشکلات جوانی از دیدگاه نهج البلاغه.

\*

### محتواها

الف/۱. جزوه‌های اوّل راهنمایی اعم از پسران و دختران، با عنوان کلی نوجوانی و ارزش‌ها از دیدگاه نهج البلاغه طی ده سرفصل به ترتیب ذیل دنبال شده است:

یک. خداشناسی، راه‌های خداشناسی، درماندگی عقل.  
دو. پیامبرشناسی، ضرورت هدایت انسان، ضرورت تداوم هدایت.

سه. امام‌شناسی، امامت و تداوم هدایت، هدفداری ...  
چهار. تواضع و فروتنی، ضرورت فروتنی، ارزش و آثار ...

پنج. خوشرویی، ارزش فروتنی، رهاورد ...  
شش. صبر و پایداری، جایگاه رهاورد. *مراکز تحقیقات کامپیوتر علوم*  
هفت. ورزش و نیرومندی، ضرورت، رهاورد.  
هشت. اختراع و سازندگی، ارزش فکر کردن، جایگاه فکر و سازندگی.

نه. دوست‌یابی، نیاز به دوست و دوستیابی، ضرورت اعتدال در دوست‌یابی.

ده. وحدت و همکاری، ضرورت، رهاورد.  
الف/۲. بررسی محتواها: تطبیق، تناسب و صحّت.

بحث با جمله‌های سست و به دور از دستور زبان و قواعد ادبی شروع شده که در یک کتاب آموزشی، جای اغماض نیست و این داوری در مطلع غالب جزوه‌ها و حتی در دیگر آثار نویسنده، به چشم می‌خورد:

«... و در آبشار موج و بی تاب نهج شنا کرد».<sup>۲</sup>  
عناوین چهارده‌گانه و ده سوستیر و سرفصل‌ها، براساس چه نوع روانشناختی جوان، صورت گرفته و مباحث یاد شده و ترتیب آنها دارای چه اولویتی هستند؟

طرح بحث در ماندگی عقل برای این مقطع سنی نامتناسب است و در صورت تسامح باید گفت جایگاه آن در رتبه اوّل و

برای پسران چندان خطرناک نیست!  
هم چنانکه تخصیص عنوان خوشرویی  
برای پسران و خویشتن داری برای دختران،  
بی وجه است و شواهد برگزیده از  
نهج البلاغه درس هایی برای همه انسان ها و  
در همه شرایط و احوال است. بلی مسأله  
حجاب به معنای خاص و نه عام آن می تواند  
اختصاصی باشد، آن هم با تمهید و بیان  
منطقی و مستدل.

در انتخاب عنوان صبر و بردباری و  
گزینش نص و شاهد از نهج البلاغه،  
اختلافاتی است و درباره تیر هفتم یعنی  
ورزش و نیرومندی اولاً: دختر و پسر فرق

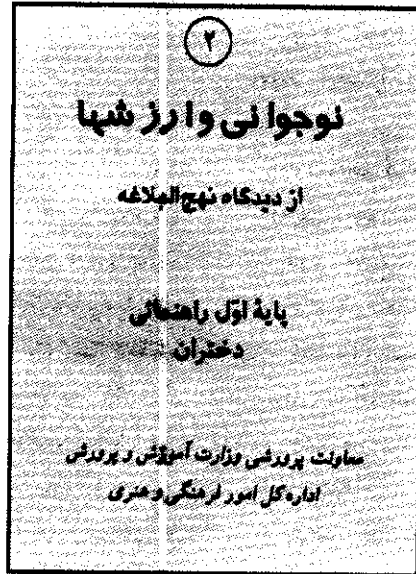
ندارند؛ ثانیاً طرح مسأله بدون طرح ریاضت تقوایی که نص در  
نهج البلاغه، واضح است، طرح کامل و سازنده نیست؛ ثالثاً در  
ترجمه «من احد سنان الغضب لله قوی علی اشداء الباطل»  
(حکمت ۱۷۴). خطای آشکاری رخ داده است. گویا سنان =  
نیزه با استان جمع سن = دندان، اشتباه شده و ترجمه عجیب و  
غریب زیر صورت گرفته است: «کسی که در راه خدا دندان از  
روی خشم برهم فشارد، قدرت کنار زدن سران باطل را پیدا  
می کند.

درباره اختراع سازندگی، سخن به فکر و تلاش و کوشش  
کشیده و شواهد انتخابی در نهج البلاغه با عنوان بحث چندان  
متناسب نیست؛ مثل «طوبی لمن لزم بیته و اکل قوته».  
(بخ ۱۷۶/۳۵)

در موضوع دوست یابی که عنوانی است مهم و در این  
شرایط سنی و تحصیلی برای نوجوان مسأله ای حیاتی است،  
ممکن بود طرحی کامل از دیدگاه وحی و شریعت ارائه شود و  
آنگاه از دیدگاه نهج البلاغه شواهدی انتخاب و ترجمه گردد،  
بخصوص در سال های بعد در دوران بلوغ دوستی پسر و دختر  
در جامعه مسلمان باید به طور جد مطرح شود و ابعاد آن روشن  
گردد. ضمناً ترجمه صحیح «حسد الصدیق من سقم المودة»  
(حکمت ۲۱۸) چنین است: «حسد ورزیدن دوست ناشی از  
ناسالمی دوستی است».

و بالاخره آخرین تیر این جزوه، یعنی وحدت و همکاری که  
با سن دانش آموزان در این مقطع کمتر تناسب دارد، موضوع  
اجتماعی مهمی است که در نهج البلاغه رهنمودهای اساسی و  
قابل توجهی وجود دارد.

\*



ب/ ۱. جزوه های دوم راهنمایی، با  
عناوین «اخلاق نوجوانی» و «جوانی و  
اخلاق از دیدگاه نهج البلاغه» با ده سرفصل  
به قرار زیرند:

اول. آگاهی و علم گرایی، ارزش  
آگاهی، ارزش تعلیم، رهاورد علم.

دوم. تربیت پذیری، ضرورت، ارزش،  
رهاورد.

سوم. دورانندیش، ارزش، ضرورت،  
رهاورد.

چهارم. تقویت فکر و اندیشه، رهاورد،  
ارزش.

پنجم. شخصیت و بزرگواری، معیار

سنجش روابط اجتماعی، معیار در پرهیز اجتماعی عفت و

پاکدامنی، حفظ شخصیت، راه حفظ شخصیت.

ششم. احترام به روابط اجتماعی، رعایت حقوق،  
ضرورت ...، تنظیم روابط، ضرورت نظم و هماهنگی با  
دیگران.

هفتم. آینده نگری، ضرورت، آمادگی برای آینده،  
آینده نگری صحیح.

هشتم. خودسازی، ضرورت خودسازی، راه خودسازی،  
تلاش، معیار، راه خودسازی.

نهم. قانونگرایی، ضرورت آشنایی با قوانین الهی، رهاورد  
آمادگی.

دهم. صبر و بردباری، ضرورت، انواع صبر.

ب/ ۲. مطلع بحث در این جزوه ها نیز بی بهره از استحکام و  
متانت است؛ چنانکه تفاوت برخی سرفصل ها و عناوین برای  
دانش آموزان دختر و یا پسر بی وجه است.

ترجمه صحیح جمله «لکن الخیر ان یکثر علمک»  
(حکمت ۹۴) چنین است: «اما خیر واقعی آن است که علم و  
آگاهی تو فراوان باشد».

و مراد از جمله «قطع العلم عذر المتعلمین» (حکمت ۲۸۴)  
این است که ارزش علم و آگاهی، عذر و بهانه کسانی را که از  
آموختن سرباز می زنند، بریده است.

استناد به جمله «لا فقر کالجهل» (حکمت ۵۴) در موضوع  
تربیت پذیری و ارزش تربیت، بی تناسب می نماید؛ چنانکه  
جمله «ولا ظهیر کالمشاوره» (نامه ۵۴) با عنوان «شتاب در تربیت  
جوان» ربطی ندارد.

و آنگهی در امر تربیت و پرورتن و راه های آن، که اختصاص

ج/ ۱. جزوه های سوم راهنمایی با عنوان کلی مسؤولیت های جوانی و مسؤولیت های دختران نوجوان از دیدگاه نهج البلاغه با ده سرفصل زیر دنبال شده است:

اول. حق گرایی، ضرورت هماهنگی، ضرورت حق گرایی، واقع بینی، هماهنگی با واقعیت ها.

دوم. خودشناسی، ضرورت، خطر خودناشناسی، شناخت جایگاه زن.

سوم. انسان دوستی، ارزش، رهاورد اخلاق نیکو، همکاری و هماهنگی.

چهارم. مسؤولیت پذیری، ضرورت درك، گستردگی مسؤولیت ها.

پنجم. نظارت ملی، ضرورت، رهاورد.

ششم. دوست یابی، ضرورت، احتیاط، آشنایی به آیین همسرداری.

هفتم. نیکوکاری، ضرورت، گستردگی.

هشتم. ترك هواپرستی، ضرورت ترك هوا، هشدار.

نهم. امیدواری، ضرورت، سرچشمه امیدواری ها.

دهم. خودسازی و مراقبت، ضرورت، دوام مراقبت.

ج/ ۲. در این جزوه ها برخی عناوین پسران و دختران فرق کرده است؛ اما چنان چیزی مبنای استوار علمی ندارد.

حق گرایی با واقع بینی تفاوت دارد. موضوع شناخت جایگاه زن در این جزوه به طور مخصوص به دختران، یعنی چه؟

و نیز طرح آشنایی با آیین همسرداری در این مقطع تحصیلی چقدر مفید و سازنده می تواند باشد؟

وانگهی با تغییر برخی عنوان ها برای پسران و دختران باز محتوا یکی است و بعضی ترجمه ها، هم فنی نیست.

ترجمه «لایؤنستک الا الحق...» (خ/ ۱۳۰) جز حق تو را انیس و همدم نباشد، صحیح است. و من تعدی الحق ضاق مذهبه

(نامه/ ۱۱۱/ ۳۱) هرکس از حق گذشت به تنگنا نیفتاد. نگاه کنید: ص ۲۴، پسران.

و چنانکه یاد آوردیم تقریباً در همه ترجمه ها فعل های ماضی به مفهوم مضارع و مستقبل برگردان شده و چیزهای زاید و نامفید افزوده شده است.

در موضوع خودشناسی علاوه بر آنکه چنان امر مهم در هر مقطع سنی مطرح است، استفاده از برخی جمله ها و کلمات نهج البلاغه در زمینه این که سخن هرکس جزو اعمال اوست، با آن موضوع چندان ارتباط ندارد. نکته دیگر آنکه اختصاص خطر خودناشناسی به دختران معلوم نشد و در آن زمینه کلمه ای درباره تقوی شاهد آورده شده است که ظاهراً با موضوع خودشناسی و

به پسران و یا دختران ندارد یک بحث منسجم و جامع برای هر دو گروه سنی می تواند مفید باشد، اضافه آنکه چنین درسی برای مربی و ولی دانش آموزان اولویت دارد و در زمینه فرزندان، فزایهای متناسب تر است که در نامه سی و یک آمده است؛ مانند جمله «فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک...» (نامه ۳۱)

در عنوان دوران دیشی و تدبیر امور، مخاطب گم شده و نویسنده به سراغ اولیا و پدران و مادران رفته است، و جمله «العلماء باقون مسابقی الدهر» (حکمت ۱۴۷) چه ارتباطی به دوران دیشی دارد؟ و چه اختصاصی به دختران؟! و همان در جزوه پسران درباره ارزش علم و آگاهی مورد استناد واقع شده است. (بنگرید: ص ۲۵)

در ترجمه جمله های «رحم الله امرأ تفکر فاعتبر...» (خ/ ۱۰۳/ ۴) اشکال و ضعف آشکاری دیده می شود.

در بحث تقویت شخصیت، اولاً: مطلب عام است. همه دختران و پسران را یکسان شامل می شود و تفکیک و تغییر نصوص بی وجه است. ثانیاً: طرف خطاب بودن امام حسن (ع) موهب اختصاص نیست. ثالثاً: عفت و پاکدامنی مخصوص دختران نمی باشد بلکه برای پسران هم بویژه در این مقطع سنی امری مهم و یاد گرفتنی است. در مبحث ششم علاوه بر ضعف ترجمه های نصوص عربی، تکلیف عمومی است و رعایت حقوق دیگران بر همه اعم از پسر و یا دختر لازم است.

در مورد آینده نگری که برای همه یکسان مطرح است، اگر با حفظ ترتیب موضوعی مطالب دنبال می شد، آموزنده تر و سازنده تر بود.

همین داوری را به سرفصل هشتم هم تعمیم دهید؛ زیرا همه زنان، مردان، پسران و دختران باید در خودسازی تلاش کنند و معیارهای خودسازی و راه های عملی آن را بیاموزند. پس رهنمودهای علوی (ع) بایستی روی هم ملاحظه شود و برای سالکان راه انسانی، برنامه ارائه گردد. در موضوع قانونگرایی، باز مخاطب جزوه گم شده است و طلیعه بحث بسیار سست است و بر برخی نصوص منطبق نمی باشد و احتیاج به توضیح دارد.

در بحث دهم، صبر و بردباری، اشتباه آشکاری رخ داده است: «الصبر صبران: صبر علی ماتکره و صبر عمّا تحب» (حکمت ۵۵) که به اشتباه... «علی ما تحب» آمده است.

برگرداند که شرراً جز شر پاسخگو نیست. جمله استشهادی کتاب، درباره نیکی و احسان به فرزندان و اطفال دیگران، است.

و ملامت با تازیانه احسان و نکویی درباره دوست و برادران است که امری پسندیده و معقول است.

به عقیده نگارنده سرفصل هشتم برای دختر و پسر فرق ندارند و طرح بحث ناشیانه و ضعیف است و تفاوتِ نصوص مورد استشهاد توجه گر نیست.

در این بحث «شریک» به همزاد ترجمه شده که «انبا» صحیح است. در بحث «امیدواری» که می توانست از بخش های مهم و سازنده باشد و برای این مقطع تحصیلی دختر و پسر مفید است، سخن به ابتدال کشیده شده و جمله استشهادی نخست، ناقص آمده است و صورت کامل و صحیح آن چنین است:

همانا صبر و شکیب تو بر تنگنایی که امید گشایش آن را داری و به عاقبت نیکو و ارزشمند آن امیدوار هستی بهتر است از عذری که از پی آمد آن بیمناک می باشی.

و کلمه فارح لمن مفی رحمة الله ... (حکمت ۲۱۶) به اصل امیدواری بیشتر مربوط است تا سرچشمه های آن.

سرفصل دهم (خودسازی و مراقبت) از بحث های سلوکی است و برای همه مردمان با ایمان، دختران و پسران مسلمان امری است ضروری و از فرازهای نهج البلاغه، دروسی ارزشمند در آن زمینه می توان ارائه داد.

✽

۱/د. جزوه های اول متوسطه با عنوان کلی جوان و سازندگی باده سرفصل زیر پی گرفته شده است:

یک. خداگرایی، خدانگری همه جا، شناخت محدود.

دو. تقوا و خودباوری، ارزش، رهاورد.

سه. واقعیت گرایی، رهاورد، ضرورت.

چهار. انتخاب و آزادی، انسان و آزادی، پرهیز از وابستگی.

پنج. جمع گرایی، تفکر اجتماعی، غریزه جمع گرایی، هشدار از تنهایی و جدایی

شش. شناخت مسئولیت ها، ارزش درك مسئولیت ها، مسئولیت های اجتماعی ضرورت، وحدت اجتماعی.

هفت. عملگرایی، اندیشه خوبی ها، رهاورد.

هشت. ارزش کار و تلاش، اعمال نیک، ضرورت عملگرایی.

نه. مدیریت اقتصادی، هنرهای دستی، مدیریت اجتماعی،

یا خودشناسی ارتباط ندارد و ترجمه کلمه هم ناقص و نارساست.

در تیتروم برای پسران عنوان انسان دوستی و برای دختران همکاری و هماهنگی را در نظر گرفته اند؛ لکن بحث از حیث محتوا یکی است آن هم با انشای ضعیف و فعل های ناموزون. (بنگرید: ص ۲۸)

و جمله فاعفوا... (نامه ۲۳) «ببخشید آیا دوست ندارید که خدا شما را ببخشد» فقط چون سخن از محبت به میان آورده، مورد استشهاد قرار گرفته است.

و جمله اطلق عن الناس عقدة كل حقد (نامه ۵۳) ناصحیح ترجمه شده است.

کلیات مسؤولیت پذیری برای دختر و پسر، فرقی ندارد و مطالب نهج برای هر دو گروه پسر و دختر مفید است و ترجمه جمله فانکم مسئولون حتی عن البقاع والبهائم (خ ۱۶۷) چنین است: «همانا شما از سرزمین ها و حیوانات نیز، بازخواست و سؤال خواهید شد، و مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از زبان و دست او سلامت باشند».

عنوان امر به معروف و نهی از منکر نیز امری همگانی است و کلیات بحث نباید برای پسر و دختر فرق داشته باشد و کلمات برگزیده غالباً رهاورد آن فریضه را مطرح ساخته است.

درباره دوست یابی، می افزایم که با وجود طرح آیین همسر داری در جزوه دختران که در این مقطع سنی اصلا صلاح نیست. جمله وقر الله واحب اعباءه (نامه ۶۹) «خدا را گرامی بدار و دوستان او را دوست داشته باشد» در طرح ضرورت دوستیابی بی تناسب می نماید، و دوست داشتن کس غیر از طرح دوستی و رفاقت است.

در سرفصل هفتم، نیکو کاری، اولاً مطلع بحث بسیار سست است، ثانیاً بیشتر به موضوع مسؤولیت مربوط می شود، ثالثاً خطاب از جوان و نوجوان به اولیا، پدران و مادران برگشته است، رابعاً طرح متفاوت بحث برای دختران و پسران، بسیار ابتدایی و ناشیانه است و نکته پنجم و مهم تر آنکه در بحث گسترش نیکو کاری طرحی غلط انداخته و جمله ای به اشتباه بر آن تطبیق شده است و گر نه هیچ ارتباطی وجود ندارد.

از دیدگاه نهج البلاغه نیکی در همه جا و حتی برای ناهلان، پسندیده نیست؛ بلکه سنگ را از آنجا که آمده باید به همانجا



**الخلوات ...** (حکمت ۳۲۴) خیلی آشفته است و صحیح آن چنین است: «از گناهان و نافرمانی های خدا در خلوت ها نیز اجتناب کنید؛ زیرا که داور همان کسی است که شاهد و گواه است».

غالب ترجمه ها نیز ضعیف و دارای اشکال هستند. مسأله واقعیت گرایی قطع نظر از تکراری بودن آن که در جزوه های قبلی گفتیم، آوردیم و حق جویی با واقع گرایی خلط شده با شواهد نه چندان واضح برگزار شده است و دختر و پسر فرقی ندارد فقط شاهدها مختلف است و جمله من سلک الطريق الواضح ... (خ ۲۰۱) مربوط به اعتدال و دوری از افراط و تفریط است که بحثی مستقل از بحث های نهج البلاغه هم هست و کلاً

آشنایی با اخلاق مدیران اجتماعی، مردم دوستی. ده. آشنایی با روش های دفاعی، دفاع از مرزهای خاکی، صورت دفاع از تهاجم فرهنگی، دفاع با پاکی ها.

۲/د. بحث خداشناسی در این جزوه ها نیز مجدداً مطرح شده، اما با انشای ضعیف و سست.

ترجمه کلمه ولو فکر و افی عظیم القدرة ... (خ ۱۸۵/۹) چنین است:

«و هرگاه درباره قدرت عظیم خدا می اندیشیدند و در نعمت بزرگ او فکر می کردند به راه، باز می گشتند».

و کلمه البجی نفسک ... (نامه ۱۷/۳۱) مربوط می شود به

<p>⑭</p> <p><b>دختران و مشکلات جوانی</b></p> <p>از دیدگاه نهج البلاغه</p> <p>پیش دانشگاهی (دختران)</p> <p>معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش اداره کل امور فرهنگی و هنری (کارشناسی قرآن و معارف اسلامی)</p>	<p>⑬</p> <p><b>راه مقابله با مشکلات جوانی</b></p> <p>از دیدگاه نهج البلاغه</p> <p>پیش دانشگاهی (پسران)</p> <p>معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش اداره کل امور فرهنگی و هنری (کارشناسی قرآن و معارف اسلامی)</p>	<p>⑫</p> <p><b>جوان و آینده</b></p> <p>از دیدگاه نهج البلاغه</p> <p>پایه سوم متوسطه (دختران)</p> <p>معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش اداره کل امور فرهنگی و هنری (کارشناسی قرآن و معارف اسلامی)</p>	<p>④</p> <p><b>اخلاق نوجوانی</b></p> <p>از دیدگاه نهج البلاغه</p> <p>پایه دوم راهنمایی (پسران)</p> <p>معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش اداره کل امور فرهنگی و هنری</p>
--	--	--	---

ترجمه جمله ها نیز جای مناقشه و دقت دارد.

بحث آزادی و حق انتخاب از بحث های سهل و ممتنع اجتماعی است که طرح آن برای این مقطع تحصیلی ضروری نمی نماید و چه بسا در آن باره بازی با الفاظ صورت می گیرد و مطالب در حد ابتدال عنوان می شود و درباره جمع گرایی و ضرورت زندگی اجتماعی نیز داوری ما همانگونه است که در بالا گفتیم و گاهی جمله هایی انتخاب شده که به موضوع و سرفصل ارتباط ندارد؛ مثل جمله من صبر صبر الاحرار ... (حکمت ۴۱۳) به موضوع نعمت آزادی که مربوط نیست. و در موضوع شناخت مسئولیت ها، علت تغییر عنوان برای دختران و پسران معلوم نیست آنگاه جمله های استشهادی درباره نیکی و وحدت است!

\*

توکل نه خدانگری و شناخت او.

اصولاً طرح مسأله شناخت بطور کلی بدون تمهید مقدمه درباره امکان و یا عدم امکان شناخت ذات و صفات خدا اولاً بحثی است فلسفی و برای دانش آموزان سخت است، ثانیاً در گزینش کلمات باید جمله هایی انتخاب شود که درصد زیادی به موضوع بحث مربوط باشد نه آنکه با تکلف و زحمت آن را مربوط کنیم و درباره تقوا و خودباوری، کلماتی انتخاب شده است که شروع جمله با اتقوا الله است و خودشناسی و هدفداری خلقت انسان، با تکلف به آن ارتباط داده شده است. این معنی فقط در جزوه دختران آمده است و اصولاً تقوا در نهج البلاغه ابعاد گسترده ای دارد و در سطوح مختلف رهنمودهای اساسی مطرح است که اگر با حوصله تنظیم شود، حتی یک جزوه مستقل به وجود می آید. ترجمه جمله اتقوا معاصی الله فی

چنانکه در موضوع تربیت پذیری، طرح علل تربیت پذیری و نص انتخابی نهج البلاغه، بی ارتباط و بی تناسب است.

در سرفصل ششم، یعنی قانونگرایی، بحث خوبی باز شده و آشنایی جوان در این مقطع تحصیلی با این فرهنگ ضروری است؛ اما اولویت بحث های بعد روشن نیست؛ چنانکه تکرار بحث خداشناسی با آن جمله های استشهادی چندان بحث استوار و لازم و مفید نیست و چنانکه یاد آوردیم اگر تکرار این بحث ها برای همه مقاطع تحصیلی لازم بود، بهتر آن بود که بحث هایی به ترتیب از ساده تر به فنی تر فراهم می شد و در جزوه های راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی هم آورده می شد تا یک آموزش منسجم برای دانش آموز ارائه گردد.

و در بحث مسؤلیت پذیری باز سخن از ضرورت تقوا و خویشتن داری و رهاورد تقوا به میان آمده که ارتباط روشن ندارند. و ربط دادن سرفصل دهم به مباحث نهج البلاغه نیاز به مهارت و حسن استدلال دارد که بحث مزبور فاقد همه آنها است.

\*

و/۱. جزوه های سوم متوسطه با سرفصل های دهگانه به ترتیب زیر است:

یک. آینده نگری، ارزش آینده نگری مثبت، ارزیابی آینده دیگران.

دو. خداشناسی خودسازی (!) ایمان پشتوانه آینده نگری، خداگرایی.

سه. هدفداری و آینده سازی، نقش هدفداری...، ارزش. چهار. درک مسؤلیت ها، نقش، ارزش.

پنج. آمادگی های دفاعی، نقش ضرورت دفاع.

شش. سالم سازی محیط، انواع، ارزش.

هفت. شناخت رهبری، ضرورت امامت، رهاورد.

هشت. پرهیز از تقلید کورکورانه، خطرات.

نه. خودباختگی... .

ده. حفظ ارزش های انقلاب، ضرورت، ارزش.

و/۲. فایده افزودن قید «مثبت» در جزوه دختران روشن نیست و در طلیعه بحث، آینده نگری با بحث رجا و امید خلط شده. نیز در ارزیابی آینده دیگران، اشتباه آشکاری رخ داده و سرنوشت با آینده درهم آمیخته است.

فانظر والی ما صاروا الیه فی آخر امورهم... (خ/۱۹۲/۹۱)

پس جمله های مورد استشهاد مطلبی راجع به آینده نگری ندارد و توجیه آنها غیر منطقی است.

در بحث خداشناسی، سخن همان است که پیش تر گفتیم؛ ام در این بحث، با عنوان «پشتوانه آینده نگری» فصلی گشوده

ه/۱. جزوه های دوم متوسطه با عنوان کلی شناخت دوران جوانی و با سرفصل های زیر ادامه یافته است:

یک. ارزش دوران جوانی، ضرورت شتاب در نیکی ها، توجه به از دست رفتن فرصت ها، ضرورت عملگرایی، فناپذیری دوران زندگی.

دو. توانمندی های دوران جوانی، ضرورت به کارگیری توانمندی ها، شناخت قابلیت های نسل جوان، ضرورت به کارگیری قابلیت های جوانی، شناخت... .

سه. دانش طلبی نسل جوان، ارزش علم طلبی، نقش علم در عملگرایی، نوجوانی و علم خواهی، ضرورت غریزه علم طلبی (!) ضرورت علم گرایی.

چهار. نعمت آزادی خواهی، ارزش آزادی، شناخت آزادی، آمادگی های جوانی (!).

پنج. تربیت پذیری، علل تربیت پذیری، ضرورت تربیت شش. قانونگرایی، ضرورت رعایت قوانین.

هفت. خودآگاهی، نقش خودآگاهی، ضرورت، ارزش.

هشت. خداگرایی، تفکر در نشانه های خدا در طبیعت، برهان هدایت و اثبات وجود خدا.

نه. خویشتن داری، ضرورت، رهاورد تقوا.

ده. جوان و روح انقلابی، هنر امام خمینی، رهاورد و روح انقلابی جوان.

ه/۲. در این جزوه ها علاوه بر بعضی تذکرات جزوه های پیشین باید گفت که شاهد نخست در صورت عملگرایی به ارتباط مستقیم با ارزش جوانی ندارد و ارزش عمل برای همه و در همیشه عمر ضروری و لازم است چنانکه شتاب در نیکی ها امری است پسندیده و عمومی و از ارزش های جوانی به حساب نمی آید.

جای داشت درباره توانمندی ها و قابلیت های دوران جوانی، بحث مفصل تری با استفاده از جمله های هدایتگر امام در نهج البلاغه، ارائه کرد و ترجمه ها و توضیح های کافی و درستی انجام داد. چنانکه در ارزش حسن علم خواهی و دانش طلبی نسل جوان، مطالب آموزنده کم نیست و آن بحث نیز می تواند برای دانش آموزان، مشوق باشد.

در سرفصل آمادگی های جوان که سخن به ارزش آزادی و شناخت آن کشیده شده، تناسب جمله های استشهادی روشن نشد و جمله طنزآمیز شعر گرفتن و در قافیه گیر کردن رایاد می اندازد.



پنج. عشق ورزی، کنترل، عشق دروغین، شناخت جایگاه عشق. شش. راه درمان خودپسندی، رهاورد شوم، یاد مرگ. هفت. راه مقابله با ناامیدی، نقش امید در سازندگی ها، نقش صبر در امیدواری، امیدواری به خدا.

هشت. راه مقابله با دشمنی و کینه توزی، ضرورت پرهیز، یاد قیامت و تعدیل دشمنی ها.

نه. راه مقابله با حسادت، خطرات حسادت، آثار شوم حسادت، دشمنی ها.

ده. راه مقابله با اضطراب های روانی، یاد خدا، یاد مرگ و آزمایش روان.

ز/۲. در وجود اختلالات روحی و بیماری های روانی بخصوص به معنای عام کلمه که کج خلقی ها و ردائیل اخلاقی و رفتارهای غیر طبیعی را هم شامل می شود تردیدی نیست؛ اما در این جزوه ها اثبات اصالت روح و روان، مورد ندارد و باید اصل موضوعی تلقی شود و انگهی شاهد نهج البلاغه در آثار خستگی های روحی و بدنی است و چنان جمله ای اثبات روح نمی کند بلکه در آن، وجود روح مسلم فرض شده است. ترجمه جمله های نهج البلاغه باز خارج از چارچوب ادبیات فارسی است.

اما موضوع خجالت کشیدن، از نظر روحی و روانی بویژه برای جوانان و نوجوانان، امری است بسیار جدی، لیکن چنان چیزی و راه درمان آن چه ارتباطی با جمله مولا دارد که مورد استناد قرار گرفته است.

ثم الصق بذوی المروءات والاحساب واهل البيوتات الصالحة... (نامه ۵۳) که در انتخاب مسؤولان اداری و کشوری و لشکری از خاندان اصیل و ریشه دار است که علی (ع) به مالک اشتر در امر حکومنداری چنان دستوری داده است.

در موضوع مقابله با ترسیدن اولاً: ترس مطلق و ترس ممدوح و مذموم تفکیک نشده است. علاوه بر آن موضوع ترس زنان مطرح شده و شاهدهی آورده شده است که گمان ندارم آموزنده و مسأله قطعی باشد، زیرا جای تحقیق و بحث در چنان مسأله ای هم چنان باقی است و ثالثاً در جزوه دختران در عنوان نقش ترس از خدا جمله فاتقوا الشرار النساء و کونوا من خيارهن علی حذر (خ ۸۰) شاهد آورده شده است که بسیار جای شگفتی است و در عنوان جایگاه عشق جمله ناصرنا و محبتنا ینتظر الرحمة... (خ ۳۸/۱۰۹) بی تناسب است و ده ها نکته قابل تذکر دیگر که از یاد آنها صرف نظر می کنیم و در پایان یادآور می شویم که تنظیم چنین جزوه های درسی برای دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی که امری کارشناسی است بر نامه ریزی و دقت بیشتری لازم است و توفیق از خداوند است و بس.

شده و جمله نهج در زمینه توکل است نه خداشناسی و نه آینده نگری. من توکل علیه کفاه... (خ ۷/۹۰) که ترجمه ها کلاً مخدوش اند و امر تکفل خدا در برخی امور با امر توکل به خدا از سوی بندگان او، خلط شده است. (بنگرید: ص ۲۹، جزوه دختران)

چنانکه جمله های مورد استشهاد در بحث هدفداری که مربوط به افکار منکر و لزوم جهاد است، مربوط نمی باشد.

در تیتتر درک مسؤولیت ها، علاوه بر تکراری بودن بحث، طرح ضعیف و نارساست و در مسأله دفاع و جهاد، مطلب در نهج البلاغه کامل تر و بهتر از آنچه چیزی است که در جزوه ها به طور ناشیانه و نارسا آمده است.

و شواهد نهج البلاغه بر عنوان سالم سازی محیط، احیائاً مربوط نیست و در مواردی جای مناقشه باقی است؛ علاوه بر ناصحیح بودن برخی ترجمه ها.

و در آوردن بحث شناخت رهبری و طرح ضرورت امامت علاوه بر آنکه در جزوه های سال های قبل آمده است در طبقه بندی مطالب، رعایت اصل نشده است که مباحث اعتقادی در رتبه نخست قرار دارند.

بحث تقلید کور کورانه به شرط آنکه طرحی جامع و بحثی کامل و بی نقص ارائه شود، بسیار لازم و مفید و آموزنده است و شواهد نهج البلاغه در این موضوع، گویا و رساست.

در تیتتر «خودباختگی» می توان گفت که محتواها چندان به درد دانش آموزان نمی خورد و برای بزرگسالان مطرح است؛ اگرچه جمله های استشهادی، چندان بر مراد مؤلف دلالت ندارد.

\*

ز/۱. جزوه های پیش دانشگاهی یا عنوان کلی راه مقابله با مشکلات جوانی و با ده سرفصل ادامه یافته است.

یک. راه درمان بیماری های روانی، اثبات اصالت روح، راه درمان روان.

دو. راه مقابله با خجالت کشیدن، راه درمان، خطرات انزوای گرای.

سه. راه مقابله با ترسیدن، جایگاه ترس در بانوان، نقش ترس از خدا.

چهار. راه مقابله با طغیان شهوت، ضرورت تعدیل و کنترل، یاد مرگ، مقابله با شهوت حرام.